



## تزه‌های مربوط به

# مسأله شرق (۱)

در مستعمرات مطرح شده، در واقع با زتاب نیازهای رشد بورژوازی در این کشورهاست. بنا براین، رشد نیروهای مولده بومی در مستعمرات در تضاد دواضحی با منافع امپریالیسم جهانی قرار می‌گیرد، زیرا جوهرها امپریالیسم همانا سوءاستفاده از سطوح متفاوت رشد نیروهای مولده در بخشهای مختلف اقتصادهاست که منظر کسب فسوق سودهای انحصاری است.

### ۲ - شرایط مبارزه

تنوع عظیم جنبش‌های انقلابی ملی علیه امپریالیسم با زتاب عقب افتادگی مستعمرات و مراحل مختلفی است که این کشورها در انتقال از روابط فئودالی و فئودال پدسالاری به سرمایه‌داری بدان دست یافته‌اند. این تنوع مهر ویژه‌ای برای دشواری این جنبش‌ها زده است. سرمایه‌داری در کشورهای مستعمره معمولاً به شکالی مختلط، ناقص و انتقالی از پایه فئودالی خود برمی‌خیزد و در سدی کند و همراه با تسلط سرمایه‌تجاری است. این بدان معنی است که تفکیک دموکراسی بورژوازی از عناصر فئودال بوروکراتیک و فئودالی رضی غالباً به طریقی طولانی و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. و این، مانع عمده بر سر راه مبارزه موفقیت آمیز توده‌ای علیه ستم امپریالیستی است. زیرا، سرمایه‌داری خارجی در ستم کشورهای عقب افتاده لایه‌های ممتاز فئودالی (و نیز تا اندازه‌ای شبه فئودالی و شبه بورژوازی) این جوامع را به عوامل سلطه خود تبدیل می‌کند (امریکا، چکی و توشون‌ها در چین، اشرافیت بومی و خراج بکیران زمیندار و تلکدار در هندوستان، بوروکراسی و اشرافیت فئودالی در ایران، و مالکین سرمایه‌دار مزارع بزرگ در مصر، و غیره) (۲).

بدین ترتیب، طبقات حاکم در کشورهای مستعمره و شبه مستعمره همزمان با رشد مبارزه علیه امپریالیسم و تبدیل آن به یک جنبش توده‌ای انقلابی بطور فزاینده‌ای توانائی و تمایل به رهبری آن را از دست می‌دهند. فقط در میان مردمی نظیر بادیه‌نشینان و یا شبه بادیه‌نشینان که نظام فئودالی پدسالاری هنوز تا آن حد تجزیه نشده است که اشرافیت بومی کاملاً از توده‌ها مجزا گردد، نمایندگان لایه ممتاز ممکن است به مثابه رهبران فعال در مبارزه علیه ستم امپریالیستی قدمی به جلو بگذارند (بین النهرین، مراکش مغولستان).

در کشورهای اسلامی، جنبش ملی در مراحل اولیه توسط شعارهای مذهبی سیاسی جنبش‌پان‌اسلامیزم هدایت می‌شود و این مسأله به دیپلوماتها و ماورین قدرت‌های بزرگ فرصت سودجویی از تعصبات و جهالت توده‌ها و تبدیل آنان به مخالفین جنبش ملی را می‌دهد (امپریالیسم بریتانیا با پان‌اسلامیسم و پان‌عربیسم بازی می‌کند و می‌خواهد خلافت را به هندوستان منتقل کند و امپریالیسم فرانسه به "همدردی با مسلمانان" تظاهر می‌کند). اما، بموازات رشد و پیختگی هر چه بیشتر جنبش‌های رهاشی بخش ملی شعارهای مذهبی سیاسی پان‌اسلامیسم با خواست‌های سیاسی جایگزین خواهند شد. اقدامات اخیر در ترکیه برای ازمیان برداشتن قدرت

### ۱ - رشد جنبش انقلابی در شرق

دومین کنگره بین الملل کمونیستی بر اساس تجربه شوروی در شرق و رشد جنبش‌های ملی انقلابی در مستعمرات بیانیته‌ای کلی درباره اصول مربوط به مسأله ملی و مستعمراتی در دوران مبارزه طولانی ما بین امپریالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا تدوین کرد.

از آن زمان تا کنون، بحران سیاسی و اقتصادی امپریالیسم در دوره پس از جنگ شدت یافته و مبارزه در کشورهای مستعمره و شبه مستعمره علیه ستمگری امپریالیستی به میزان قابل ملاحظه‌ای نیرومندتر شده است.

گواه این واقعیت را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد: (۱) شکست قرارداد سوردر مورد تقسیم ترکیه و ممکن شدن اعساده استقلال سیاسی ملی ترکیه (۲۰). رشد طوفانی جنبش انقلابی ملی در هند، بین النهرین، مصر، مراکش، چین و کره (۳۰). بحران شدید درونی امپریالیسم ژاپن که به رشد سریع فعلی برخی از عناصر انقلاب بورژوا دموکراتیک و نیز مبارزه طبقاتی مستقل پرولتاریای ژاپن دامن زده است (۴). ظهور جنبش کارگری در ستم‌کشورهای شرق و پیدایش احزاب کمونیستی در اغلب آنها.

این چهار نکته معرف تغییراتی در پایه‌های اجتماعی جنبش انقلابی در مستعمرات است. گرایش این تغییرات در جهت تشدید مبارزه ضد امپریالیستی و در عین حال زیر سوال بردن کنتراول انحصاری این مبارزه توسط عناصر فئودالی و بورژوازی ملی است که آماده سازش با امپریالیسم هستند.

جنگ امپریالیستی ۱۸ - ۱۹۱۴ و بحران طولانی سرمایه‌داری، بویژه سرمایه‌داری اروپا پس از جنگ، کنترل اقتصادی قدرت‌های بزرگ بر مستعمرات را تضعیف کرده است.

از طرف دیگر، همان عواملی که شالوده اقتصادی و حوزه نفوذ سیاسی سرمایه‌داری جهانی را محدود کرده‌اند، در عین حال رقابت امپریالیست‌ها بر سر مستعمرات را تشدید کرده‌اند و در نتیجه تعادل کل نظام جهانی امپریالیستی را برهم زده‌اند (رقابت بر سر نفت، مناقشه فرانسه و انگلستان در آسیای صغیر، رقابت آمریکا و ژاپن برای تسلط در منطقه اقیانوس آرام، و غیره).

دقیقاً بخاطر همین تضعیف نفوذ امپریالیستی در مستعمرات و نیز رقابت دائمی فزاینده گروه‌های مختلف امپریالیستی، رشد سرمایه‌داری بومی در کشورهای مستعمره و شبه مستعمره تسهیل شده است. و این رشد از چارچوب تنگ و محدودی که حاکمیت امپریالیستی قدرت‌های بزرگ تعیین کرده‌ها ترمی رود. سرمایه‌داری قدرت‌های بزرگ تا کنون تلاش می‌کرد تا از طریق پافشاری بر حق انحصار خود بر سودهای کلان ناشی از استثمار تجاری، صنعتی و مالی کشورهای عقب افتاده، آنها را در صحنه تجاری اقتصادی بین المللی منزوی کند. خواست استقلال ملی و اقتصادی که توسط جنبش‌های سوسیالیستی

زمینی خلفا بر همین واقعیت دلالت می کند .

هدف اساسی همه جنبش های انقلابی ملی دست یابی به وحدت ملی و استقلال دولتی است . تحقق واقعی این هدف بستگی به این دارد که جنبش ملی در هر کشور مشخص تا چه اندازه بتواند تمام رتبه های خود را بر عهده مسئولان فئودالی راقطع کند ، خواسته های اجتماعی توده ها را در برنامۀ خود بگنجد و نوبتین ترتیب پشتیبانی توده های وسیع زحمتکش را بخود جلب کند .

بین الملل کمونیستی گرچه بخوبی برای امروا قف است که در شرایط مختلف تاریخی مبارزین راه استقلال سیاسی ملی می تواند - ننداد فرا دیسیا متفاوتی باشند ، اما از همه جنبش های انقلابی ملی علیه امپریالیسم حمایت می کند . در هر حال ، بین الملل کمونیستی معتقد است که توده های ستمدیده فقط بواسطه یک خط مشی پیکیرانه انقلابی که هدفش جلب وسیع ترین توده ها به مبارزه ، فعال و متضمن برش کار ملی از همه کسانی باشد که بخاطر منافع حاکمیت طبقاتی خود از ارزش با امپریالیسم حمایت می کنند ، به کسب پیروزی هدایت خواهند شد . پیوندهائی که بورژوازی بومی را به عناصر رتجاعی فئودالی متصل می سازد به امپریالیست ها اجازه می دهد که بوسیله بهره برداری کامل از هر چه و مرج فئودالی ، رقابت میان رهبران ، نزادها و قبایل مختلف ، تضاد بین شهروده ، و مبارزه میان اقشار و فرقه های ملی مذهبی ( در چین ، ایران ، کردستان ، بیسن - النهرین ) ، جنبش توده های را متلاشی کنند .

### ۳ - مساله ارضی

در اکثر کشورهای شرقی ( هندوستان ، ایران ، مصر ، سوریه و بین النهرین ) مساله ارضی از اهمیت ویژه ای در مبارزه برای ارضی از قبیل استبداد قدرتهای بزرگ برخوردار است . امپریالیسم از طریق استثمار روبه نا بودی کسانند دهقانان کشورهای عقب افتاده ، یعنی اکثریت جمعیت ، آنان را از ابتدائی ترین وسائل معیشت محروم می سازد . اما ، جمعیت ما را در و ستا که از این مساله ناشی می شوند تا در به مهاجرت است و نه می تواند که در صنعت جذب شود . زیرا که صنعت توسعه نیافته است و فقط در برخی مراکز معدود که در سراسر کشور پراکنده شده اند وجود دارد . در نتیجه ، دهقانان تهیدستی که ناچارند در درو ستا ها باقی بمانند ، به رعا یا تبدیل می شوند .

در حالی که در کشورهای پیشرفته ، قبل از جنگ ، بحران های صنعتی نقش تنظیم کننده ، تولید را ایفاء می کردند ، در مستعمرات این نقش تنظیم کننده به عهده قحطی ها است . از آنجا که هدف اصلی امپریالیسم کسب حداکثر سود برای حداقل سرمایه گذاری است ، بنا بر این تا به آخر از اشکال فئودالی و ربا خوارانه ، استثمار نیروی کار در کشورهای عقب افتاده حمایت خواهد کرد . در برخی از کشورهای نظیر هند ، امپریالیسم حقوق موجودانحصاری دولت فئودالی بر زمین را در دست گرفته و مالیات بر زمین را تبدیل به پیشکش سر تا قدرت بزرگ و ایادی آن یعنی زمینداران و تلکداران کرده است . در کشورهای دیگر ، نظیر ایران ، مراکش ، مصر و غیره ، امپریالیسم از طریق سازمانهای موجود زمینداران بزرگ کرایه زمین را به چنگ می آورد . بنا بر این مبارزه برای رها ئی زمین از زیر دیون و مطالبات فئودالی خلعت یک مبارزه ، رها ئی بخش ملی علیه امپریالیسم و زمینداران بزرگ فئودال را بخود می گیرد ( مثلاً ، طغیان موبلا در هندوستان علیه زمینداران و انگلیسی ها در پانزده ۱۹۲۱ و شورش سیک ها در ۱۹۲۲ ) . تنها یک انقلاب ارضی متعهد به مبارزه با املاک زمینداران بزرگ می تواند توده های وسیع دهقانان را که عا ملی کلیدی در مبارزه علیه امپریالیسمند ، به قیام برانگیزد .

هراس بورژوازی سونا لیست ها از خواست های ارضی و تلاش آنها برای آیکی کردنشان به هروسيله ممکن ( مانند موارد هندوستان ، ایران ، مصر ) نشانگر پیوند نزدیک بورژوازی بومی با زمینداران بزرگ فئودال و فئودال بورژوا و وابستگی فکری و سیاسی اولی به دومی است . نیروهای انقلابی باید با استفاده از این تردیدها و تزلزلها ، با زشکاری های رهبران بورژوازی جنبش های سونا لیست را تمام و کمال افشاء کنند . دقیقاً همین سازشها هستند که راه را برای ما - ندهی و سیج توده های زحمتکش می بندند ، همانطور که ورشکستگی تاکتیک مقاومت منفی ( " عدم همکاری " ) در هندوستان نشان داده است .

جنبش انقلابی در کشورهای عقب افتاده موفق نخواهند شد ، مگر آنکه برفعالیت توده های وسیع دهقانی استوار گردد . به همین دلیل ، احزاب انقلابی در تمام کشورهای شرقی باید برنامۀ ارضی روشنی را که شامل خواست سرنگونی کامل فئودالیسم و نهادهای آن باشد ، تدوین کنند . برای جلب توده های دهقانی به مبارزه فعال برای رها ئی ملی ، انقلابیون باید از یک تغییر ریشه ای در مناسبات مالکیت ارضی حمایت کنند و تا سرحد امکان احزاب بورژوازی - سونا لیست را به پذیرش این برنامه ارضی انقلابی وادار سازند .

### ۴ - جنبش کارگری در شرق

جنبش جدید کارگری در شرق محصول رشد اخیر سرمایه داری بومی است . تاکنون در این کشورها حتی هسته مرکزی طبقه کارگر در یک حالت انتقال از کارگاه های کوچک صنایع دستی به کارخانه های بزرگ سرمایه داری بسر می برده است . در جاهائی که روشنفکران بورژوازی سونا لیست در مبارزه علیه امپریالیسم ، جنبش انقلابی طبقه کارگر را نیز درگیر می سازند ، نمایندگان نشان در ابتدا رهبری سازماندهی و فعالیت های تشکیلات جدیدالتاسیس اتحادیه های کارگری را در دست می گیرند . در ابتدا ، پرولتاریا اقدامات خود را از محدودۀ منافع " مشترک ملی " دموکراسی بورژوازی فراتر نمی برد ( اعتصابات علیه بوروکراسی و دستگاها داری امپریالیستی در چین و هندوستان ) . همانطور که کنگره دوم بین الملل کمونیستی خاطر نشان ساخت ، نمایندگان سونا لیسم بورژوازی غالباً به وسیله سوء استفاده از اعتبار سیاسی و اخلاقی روسیه شوروی و غرایسز طبقه کارگران به اهداف بورژوازموکراتیک خود پوشی " سو - سیالیستی " یا " کمونیستی " می دهند ( هر چند که خود ممکن است بدان واقف نباشند ) نخستین گروه های جنبی پرولتاری را از انجام تکالیف واقعی یک سازمان طبقاتی منحرف کنند ( مثلاً ، حزب اشیل اردو در ترکیه که به پان ترکیزم خورد رنگ و لعاب کمونیستی می دهد ، و یا برخی از نمایندگان کومینتانگ در چین که در مورد " سوسیالیسم دولتی " موعظه می کنند ) ( ۳ ) .

با این وجود ، جنبش سیاسی و اتحادیه ای طبقه کارگر در کشورهای عقب افتاده در چند سال اخیر پیشرفت عظیمی کرده است . شکل گیری حزب مستقل طبقاتی پرولتاریا در تقریباً همه کشورهای شرقی گام مهمی به جلواست ، هر چند که اکثریت عظیم این گونه احزاب هنوز باید برای خلاص کردن خود از شرنا ئی گری ، فرقه گرا ئی و نواقص دیگر بسیار کار کنند . این واقعیت که بین الملل کمونیستی از همان ابتدا اهمیت بالقوه جنبش کارگری در شرق را تشخیص داد از اهمیت بسزائی برخوردار است ، زیرا بروشنی وحدت بین المللی راستین پرولتاریا را تحت پرچم کمونیسم در سارجهان منعکس می کند . بین الملل های دوم و دویم دقیقاً بخاطر اینکۀ صرفاً " خدمتکار " امپریالیسم آمریکا ئی و اروپا ئی هستند ، نتوانسته اند حتی یک طرفدار در یکی از کشورهای عقب افتاده پیدا کنند .

## ۵ - تکالیف عمومی احزاب کمونیست در شرق

در حالی که میلیون بورژوا به جنبش کارگری از لحاظ اهمیت آن برای موفقیت خودشان نگاه می کنند، پرولتاریای بین المللی جنبش جدید کارگری شرق را از لحاظ آینده انقلابی آن در نظر نمی گیرد. کشورهای عقب افتاده نمی توانند تحت نظام سرمایه داری در دستاوردهای دانش تکنیکی و فرهنگ معاصر سرمایه داری مگر آنکه با بت آن بهای سنگینی به شکل استثمار وستم و حیا نه توسط سرمایه قدرت های بزرگ بپردازند. کارگران شرق باید با پرولتاریای کشورهای پیشرفته متحد شوند. نه فقط بخاطر منافع مبارزه مشترک خود علیه امپریالیسم بلکه بدین دلیل که فقط پرو - لتاریای پیرومند کشورهای پیشرفته کمک بی چشمداشتی را برای رشد نیروهای مولده عقب افتاده آنها عرضه خواهد داشت. اتحاد با پرولتاریای غرب راه را برای ایجاد یک فدراسیون بین المللی جمهوری های شوروی باز خواهد کرد. برای مردم عقب افتاده شرق، نظام شوروی معرف هوأ برترین شکل انتقال از شرایط ابتدایی زندگی به جامعه عالی تر کمونیستی است که عاقبت جایگزین کامل تولید و توزیع اقتصاد جهانی سرمایه داری خواهد شد. تجربه نظام شورایی در مستعمرات آزاد شده امپراتوری سابق روسیه این مطلب را اثبات می کند. شکل شورایی حکومت تنها مانع اجرای کامل و پیگیرانه انقلاب ارضی دهقانی است. حفظ پیش شرط های مشخص کشاورزی در برخی از مناطق شرق (آبیاری مصنوعی) که در گذشته فقط بواسطه یک نظام ویژه، کار جمعی متکی بر شالوده های فئودالی پدرالاری میسر بود و اینک بخاطر حرص و طمع سرمایه داری به مخاطره افتاده، مستلزم نوعی از سازماندهی دولتی است که نیازهای اجتماعی را به شکلی سازمان یافته و با برنامه برطرف سازد. با در نظر گرفتن شرایط ویژه اقلیمی و تاریخی، تعاونی های تولید کنندگان خرد یقیناً نقش بسیار مهمی را در دوران انتقالی در سراسر شرق ایفاء خواهد کرد.

احزاب کمونیست در کشورهای مستعمره و شبه مستعمره شرق هنوز کم و بیش در یک مرحله جنبینی بسر می برند و با بیدرهمه جنبش هایی که به آنها فرصت دستیابی به توده ها را می دهد، شرکت کنند. آنها با بیداران واحدیه مبارزه سختی علیه تعصبات حرفه ای و پیدرالارانه و نفوذ بورژوازی در اتحادیه های کارگری سازمان بزند تا بدین ترتیب این اتحادیه های اولیه را از گزند کرایش های فرمیست مضمون بدارند و به تشکیلات رزمنده توده ای تبدیل کنند. آنها باید از هیچ گونه تلاشی برای سازماندهی کارگران کشاورزی، دختران و زنان زحمتکش در روستاها و کارآموزان صنایع دستی (از هر دو جنس) که تعدادشان بی شمار است، برای دفاع از منافع روزمره شان خودداری نکنند.

## ۶ - جبهه واحد ضد امپریالیستی

جبهه واحد کارگری شعاری است که در غرب در دوران انتقالی مطرح می شود و وجه مشخصه آن گردآوری سازمان یافته نیروهاست. به همین ترتیب، در مستعمرات شرق شعار کلیدی در حال حاضر عبارت است از جبهه واحد ضد امپریالیستی. مناسبت این شعار از چشم انداز یک مبارزه دراز مدت با امپریالیسم جهانی و ضرورت بسیج تمام عناصر انقلابی ناشی می شود. بویژه به دلیل تمایل بورژوازی بومی به سازش با سرمایه خارجی علیه منافع اساسی توده مردم است که چنین بسیجی هر چه بیشتر اهمیت می یابد. همانطور که در غرب شعار جبهه واحد کارگری به افشای خیانت های سوسیال دموکراسی به منافع پرولتاریا کمک کرده می کند، در شرق نیز شعار جبهه واحد ضد امپریالیستی به افشای نوسانات و تزلزلات گروه های مختلف بورژوانا سیونالیست کمک خواهد کرد. این شعار همچنین به توده های کارگر کمک خواهد کرد تا اراده انقلابی خود را تقویت کنند و به آگاهی طبقاتی خود بیفزایند. به کمک این شعار آنها می توانند در صفوف پیشگام مبارزین که نه تنها علیه امپریالیسم بلکه علیه بقایای فئودالیسم می جنگند، قرار گیرند.

جنبش کارگری در کشورهای مستعمراتی و شبه مستعمراتی باید قبل از هر چیز خود را بعنوان یک عامل مستقل انقلابی در جبهه مشترک ضد امپریالیستی مستقر سازد. توافقات موقتی با دموکراسی بورژوازی فقط هنگامی مجاز و لازم است که این جنبش توانسته باشد استقلال

در حالی که میلیون بورژوا به جنبش کارگری از لحاظ اهمیت آن برای موفقیت خودشان نگاه می کنند، پرولتاریای بین المللی جنبش جدید کارگری شرق را از لحاظ آینده انقلابی آن در نظر نمی گیرد. کشورهای عقب افتاده نمی توانند تحت نظام سرمایه داری در دستاوردهای دانش تکنیکی و فرهنگ معاصر سرمایه داری مگر آنکه با بت آن بهای سنگینی به شکل استثمار وستم و حیا نه توسط سرمایه قدرت های بزرگ بپردازند. کارگران شرق باید با پرولتاریای کشورهای پیشرفته متحد شوند. نه فقط بخاطر منافع مبارزه مشترک خود علیه امپریالیسم بلکه بدین دلیل که فقط پرو - لتاریای پیرومند کشورهای پیشرفته کمک بی چشمداشتی را برای رشد نیروهای مولده عقب افتاده آنها عرضه خواهد داشت. اتحاد با پرولتاریای غرب راه را برای ایجاد یک فدراسیون بین المللی جمهوری های شوروی باز خواهد کرد. برای مردم عقب افتاده شرق، نظام شوروی معرف هوأ برترین شکل انتقال از شرایط ابتدایی زندگی به جامعه عالی تر کمونیستی است که عاقبت جایگزین کامل تولید و توزیع اقتصاد جهانی سرمایه داری خواهد شد. تجربه نظام شورایی در مستعمرات آزاد شده امپراتوری سابق روسیه این مطلب را اثبات می کند. شکل شورایی حکومت تنها مانع اجرای کامل و پیگیرانه انقلاب ارضی دهقانی است. حفظ پیش شرط های مشخص کشاورزی در برخی از مناطق شرق (آبیاری مصنوعی) که در گذشته فقط بواسطه یک نظام ویژه، کار جمعی متکی بر شالوده های فئودالی پدرالاری میسر بود و اینک بخاطر حرص و طمع سرمایه داری به مخاطره افتاده، مستلزم نوعی از سازماندهی دولتی است که نیازهای اجتماعی را به شکلی سازمان یافته و با برنامه برطرف سازد. با در نظر گرفتن شرایط ویژه اقلیمی و تاریخی، تعاونی های تولید کنندگان خرد یقیناً نقش بسیار مهمی را در دوران انتقالی در سراسر شرق ایفاء خواهد کرد.

تکالیف عینی انقلاب در مستعمرات از محدوده دموکراسی بورژوازی فراتر می رود. زیرا که پیروزی قطعی این انقلاب با حاکمیت امپریالیسم جهانی سازگار نیست. در آغاز، جنبش انقلابی در مستعمرات توسط بورژوازی بومی و روشنفکران بورژوا هدایت می شود. اما با درگیری هر چه بیشتر توده های پرولتاری و شبه پرولتاری دهقانی و طرح هر چه وسیعتر منافع اجتماعی مردم ساده، این جنبش شروع به بریدن از عناصر بورژوازی بزرگ و بسوزنوا - زمینداری کند. هنوز مبارزه ای طولانی در مقابل پرولتاریای جوان مستعمرات قرار دارد. این مبارزه برای یک دوره کامل تاریخی بطول خواهد انجامید و هم با استثمار امپریالیستی و هم با طبقات حاکم بومی رودر رو خواهد شد. اینان تلاش می کنند تا تمام دستاوردهای پیشرفت های صنعتی و فرهنگی را در انحصار خویش در آورند و توده های وسیع کارگران در شرایط "ماقبل تاریخی" نگهدارند.

مبارزه برای کسب نفوذ در میان توده های دهقانی، پرو - لتاریای بومی را برای رهبری سیاسی آماده خواهد کرد. پرولتاریا فقط هنگامی می تواند دموکراسی بورژوازی را که در اوضاع شرق عقب افتاده حتی از غرب هم بی کفایت تر است، به مبارزه بطلبد که این کار مقدماتی را در میان صفوف خود نزدیک ترین لایه های اجتماعی به خود انجام داده باشد.

خودداری کمونیست ها در مستعمرات از شرکت در مبارزه علیه ستمگری امپریالیستی به بهانه اصطلاح "دفاع" از منافع مستقل طبقاتی بدترین نوع فرمت طلبی است و صرفاً انقلاب پرولتاری در

کامل سیاسی خود را تضمین کرده و اهمیت خود را بامثال به یک عامل مستقل قبولانده باشد. بهمین ترتیب، پرولتاریا تا آنجا می‌کشد بر اساس شناسایی قوای موجود در حال حاضر نمی‌تواند اجرای برنامه‌های شورائی خود را بامثال به تکلیف فوری روزتلقی کند، از خواست‌های جزئی نظیر جمهوری دموکراتیک مستقل، انقراض تمام حقوق و امتیازات فئودالی، استقرار حقوق زنان، و غیره پیشتیبانی نخواهد کرد. در آن واحد، پرولتاریا می‌کوشد تا شعاری را مطرح کند که پیوندهای سیاسی میان توده‌های دهقانی و شبه پرولتاری را با جنبش کارگری تقویت کند. توضیح ضرورت وحدت با پرولتاریا بای بین المللی و جمهوری‌های شوروی برای توده‌های وسیع کارگری از مهمترین وظایف جبهه و احضار میریالیستی است. انقلاب مستعمراتی فقط هنگامی پیروز خواهد شد و دست‌آوردهای خود را حفظ خواهد کرد که بواسطه انقلاب پرولتاری در کشورهای پیشرفته همراهی شود.

خطر معامله بین بورژوازی و سیمون لیژم‌ویک یا چند قدرت امپریالیستی در کشورهای شبه مستعمره (چین، ایران) و کشورهای کوه‌های شکرانه، رقابت میان امپریالیست‌ها استقلال دولتی کسب کرده‌اند (ترکیه)، بمراتب بیشتر از مستعمرات است. هر یک از این گونه توافقات به معنای یک تقسیم بکلی نابرابر قدرت میان طبقات حاکم بومی و امپریالیست است و هر چند که احتمال دارد تحت پوشش یک استقلال ظاهری مخفی شده باشد، کشور را دقیقاً در وضع سابق نگه می‌دارد. یعنی، یک دولت شبه مستعمره که دست‌نشانده امپریالیست‌ها می‌باشد و سپریلای آن است.

در عین حالی که طبقه کارگر ممکن است و گاهی اوقات مجبور است به برخی مصالحات جزئی و موقتی تن بدهد تا در مبارزه انقلابی برای رهایی از یوغ امپریالیست مهلت بدست آورد، باید مطلقاً علیه هرگونه تلاشی توسط طبقات حاکم بومی برای حفظ امتیازات طبقاتی خود از طریق یک توافق آشکار و مخفی برای تقسیم قدرت با امپریالیست‌ها ایستادگی کند. خواست برقراری اتحاد نزدیک با جمهوری پرولتاری شوروی یک شعار اصلی جبهه و احضار میریالیستی است. این شعار باید با یک مبارزه مصمم برای دموکراتیزه کردن حد اعلا نظام سیاسی همراه باشد. بدین ترتیب، ارتجاعی تریب عناصرازلحاظ سیاسی و اجتماعی، از حمایت مردمی محروم خواهند شد و در زمان‌های کارگری آزادی عمل برای مبارزه بر سر منافع طبقاتی خود را بدست خواهند آورد (خواست‌های نظیر جمهوری دموکراتیک، اصلاحات ارضی، اصلاحات نظام مالیاتی، سازماندهی دستگاه‌های بر اساس حاکمیت مردم خودگردان، قوانین کار، محدودیت کار کودکان، رفاه اجتماعی برای مادران و فرزندان، و غیره). حتی در ترکیه، مستقل، طبقه کارگر آزادی تشکیل برخوردار نیست و این نمونه گویائی از نحوه برخورد بورژوازی با سیونالیست‌ها در پرولتاریاست.

## ۷ - تکالیف پرولتاریا در کشورهای

### حوزه اقیانوس آرام

افزایش دائمی رقابت‌های امپریالیستی یکی از دیگر دلایل مهم برای سازماندهی جبهه و احضار میریالیستی است. این رقابت هم‌اکنون بقدری حاد شده که یک جنگ جهانی جدید، این بار در حوزه اقیانوس آرام، اجتناب ناپذیر خواهد بود. مگر آنکه انقلاب بین المللی مانع آن شود.

کنفرانس واشنگتن تلاشی برای رفع این خطر بود، اما در واقع فقط تضادهای امپریالیست را تعمیق و تشدید کرد. مبارزه اخیر - مابین وویی فو و شانگ تسولین (۴) در چین، نتیجه مستقیم شکست تلاش‌های سرمایه‌داری آمریکائی انگلیسی و ژاپنی برای رفع اختلافات خود در کنفرانس واشنگتن بود. جنگ جهانی جدیدی که دنیا را تهدید می‌کند، این بار نه تنها ژاپن، آمریکا و بریتانیا - نیاکه قدرت‌های دیگر سرمایه‌داری را نیز در برخواهد گرفت (فرانسه، هلند، و غیره) و حتی از جنگ جهانی اول بمراتب مخرب تر خواهد بود.

وظیفه‌ای که اینک در مقابل احزاب کمونیست کشورهای مستعمره و شبه مستعمره در حوزه اقیانوس آرام قرار دارد، سازماندهی یک فعالیت تبلیغی شدید است که بتواند خطر قریب الوقوع جنگ را برای توده‌ها روشن کند، آنان را به مبارزه‌ای فعال برای کسب رهایی ملی فرا بخواند و بر ضرورت جهت‌گیری بسوی روسیه شوروی بامثال به سنگر تمام توده‌های ستمدیده و استثماری فشاری کند.

با در نظر گرفتن خطری که در پیش است، احزاب کمونیست کشورهای امپریالیستی - آمریکا، ژاپن، بریتانیا، استرالیا، کانادا - نباید به صرف تبلیغ علیه جنگ اکتفا کنند. بلکه باید هر چه در توان دارند انجام دهند تا عوامی که جنبش کارگری در کشورشان را ناسپاسان ساخته و استفاده سرمایه‌داران از اختلافات ملی و نژادی را آسانتر کرده از میان برونند. این عوامل عبارت‌اند از: مساله کارگران مهاجر و مساله نیروی کار را رزان کارگران رنگین پوست.

اغلب کارگران رنگین پوستی که از چین و هندوستان برای کار در مزارع نیشکر مناطق جنوبی اقیانوس آرام آورده شده‌اند، هنوز تحت نظام کارکنتراتی هستند. این وضع باعث این شده که کارگران کشورهای امپریالیستی در آمریکا و استرالیا خواهان منافع از مهاجرت و استفاده رنگین پوستان شوند. این گونه محدودیت‌ها شکاف میان کارگران سفیدپوست و رنگین پوست را که باعث تجزیه و تضعیف جنبش کارگری شده تشدید خواهد کرد.

احزاب کمونیست در آمریکا، کانادا و استرالیا باید به فعالیت سرخستانه‌ای علیه قوانین محدودکننده مهاجرت دست بزنند و به توده‌های پرولتاری در این کشورها توضیح بدهند که اینگونه قوانین با دامن زدن به تعصبات نژادی عاقبت به ضرر آنها تمام خواهد شد.

سرمایه‌دارانی که با این قوانین محدودکننده مخالف است می‌کنند، فقط بخاطر منفعتی است که از طریق وارد کردن نیروی کار را رزان رنگین پوستان و در نتیجه کاهش سطح دستمزد کارگران سفیدپوست بدست می‌آورند. تنها از یک طریق می‌توان علیه این تهاجم سرمایه‌داری مبارزه کرد: کارگران مهاجر باید به صفوف اتحادیه‌های موجود کارگران سفیدپوست بپیوندند و همچنین باید این خواست مطرح شود که دستمزد کارگران رنگین پوست به سطح دستمزد کارگران سفیدپوست افزایش یابد. چنین اقداماتی از جانب احزاب کمونیست مقاصد سرمایه‌داران را افشاء خواهد کرد و در عین حال به کارگران رنگین پوست نشان خواهد داد که پرولتاریای بین المللی از تعصبات نژادی مبری است.

برای عملی ساختن این برنامه، نمایندگان پرولتاریای انقلابی کشورهای حوزه اقیانوس آرام باید در یک کنفرانس منطقه‌ای گرد هم بیایند و تاکتیک‌های صحیح و بهترین شیوه‌های سازماندهی برای تضمین وحدت واقعی پرولتاریای تمام نژادهای مختلف را تعیین کنند.

## ۸ - وظایف احزاب کشورهای متروپول

اهمیت عظیم جنبش انقلابی مستعمراتی برای هدف انقلاب پرولتری بین المللی بدین معناست که فعالیت در مستعمرات بسد ویژه توسط احزاب کمونیست کشورهای امپریالیستی باید تشدید شود.

امپریالیسم فرانسه تمام محاسبات خود برای سرکوب میسارزه انقلابی پرولتاریا در فرانسه و اروپا را بر مبنای استفاده از کارگران مستعمرات خود بنا به یک ارتش ذخیره ضد انقلاب استوار کرده است.

امپریالیسم بریتانیا و آمریکا کامکان از طریق حطب اشرافیت کارگری بطرف خود با این وعده که بخشی از ما فوق سود دست آمده از مستعمرات را به آن خواهند بخشید، در جنبش کارگری شکاف ایجاد می کنند.

همه احزاب کمونیستی در کشورهای که دارای مستعمره هستند، باید به سازماندهی مبارزه برای همبستگی مادی و معنوی با جنبش پرولتری و انقلابی در مستعمرات دست بزنند. باید با کرایش های دروغین سوسیالیستی و واقعاً استعماری برخی از رده های کارگران مرفه اروپائی در مستعمرات قاطعانه و سرخشانه مبارزه شود. کارگران کمونیست اروپائی در مستعمرات باید به سازماندهی پرولتاریا برای بومی کمک کنند و از طریق طرح خواست های ملموس اقتصادی (افزایش سطح زندگی کارگران بومی به سطح کارگران اروپائی، قوانین حمایت از کارگران، بیمه های اجتماعی، و غیره) اعتماد آنها را بخود جلب کنند. تشکیل سازمان های کمونیستی مجزا برای اروپائی ها در برخی از مستعمرات (مصر، الجزایر) شکل پوشیده از استعمارگری است و فقط به پیشبرد منافع امپریالیسم کمک می کند. هرگونه تلاشی برای ایجاد سازمان های کمونیستی بر اساس مرزهای قومی و نژادی با اصول انترناسیونالیسم پرولتری متخاداست. تمام احزاب بین الملل کمونیستی موظفند که برای توده های وسیع طبقه کارگر اهمیت حیاتی مبارزه علیه سلطه امپریالیستی در کشور های عقب افتاده را روشن کنند. احزاب کمونیست کشورهای امپریالیستی باید برای سازماندهی کارهای مربوط به مستعمرات کمیسیون های دائمی مرکب از اعضای کمیته مرکزی ایجاد کنند. بین الملل کمونیستی باید به احزاب کمونیست در شرق کمک کند - به عنوان شروع کار باید به ایجاد پختنه در این کشورها و انتشار مجله روزنامه به زبان های محلی یاری برساند. باید به کارگران سازمان های کارگران اروپائی و نیروهای نظامی اشغال کار در مستعمرات توجه ویژه ای بشود. احزاب کمونیست در کشورهای قدرت های بزرگ نباید هیچ گونه فرصتی را برای افشای ماهیت غارتگرانه سیاست های مستعمراتی حکومت ها و احزاب فرصت طلب و بورژوازی کشور خود از دست بدهند ●

ترجمه از بهرام

توضیحات :

(۱) - از کتاب استاد کمینترن (اینک لینک، لندن، ۱۹۸۰)

ص ۴۱۹ - ۴۰۹

(۲) - توشون، لغت چینی برای امرای جنگی (فئودال های بزرگ) است. تلکدار، لغت هندی برای روسای تلک ها، واحدهای حکومت های محلی در هندوستان است که معمولاً شامل دو بیست تا شصت دهکده می شدند. تلکدارها ما مورجمع آوری خراج ها نیز بودند.

(۳) - حزب اشیل اردو (به معنای "سیب سبز") حزبی بود که به اشاره مصطفی کمال (آنا تورک) تشکیل شد و خود را "کمونیست" می دانست. کومینتانگ حزب ناسیونالیست چینی بود که در سال ۱۸۹۱ تشکیل شد و رهبر اولیه آن سون یات سن بود.

(۴) - وویی فو Wu Pei-Fu و شانگ تسولین Chang Tso-lin

از امرای جنگی (فئودال) چین بودند.